

آزمون حضوری
شماره سه

رشته انسانی



تجربی | ریاضی | انسانی

ویژه کنکور
۱۴۰۳

مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز

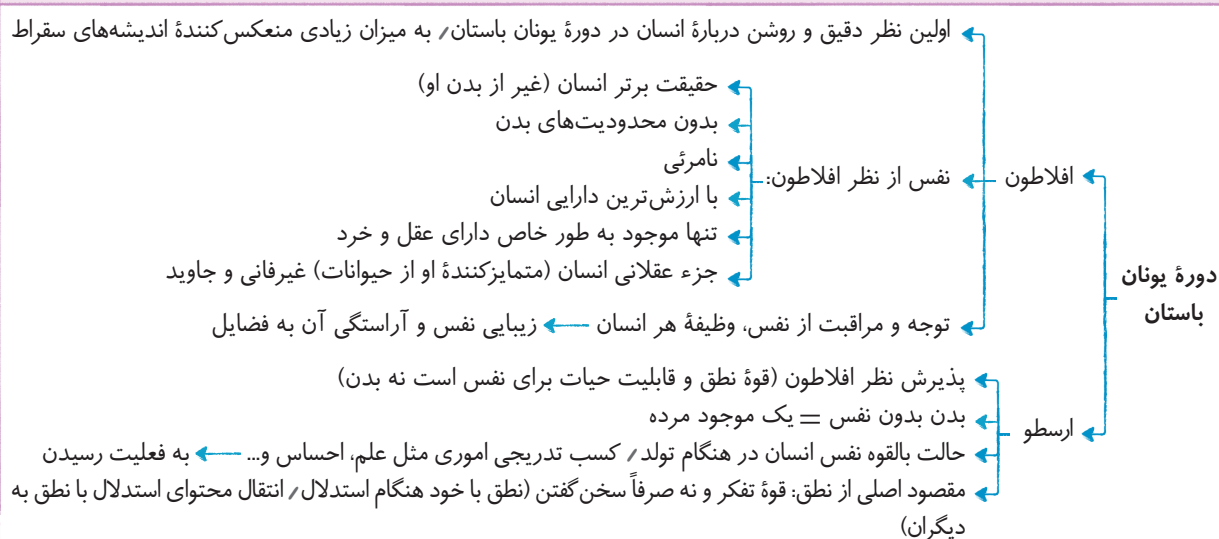
نام درس	مباحث	از صفحه	تا صفحه	مؤلف	ویراستار
فلسفه	درس ۹ تا انتهای کتاب صفحه‌های ۶۹ تا ۹۳	۲	۸	مجید پیرحسینلو	مهدی بادامه‌مه



درس ۹: چیستی انسان (۱)

تفکر فلسفی دربارهٔ انسان = انسان‌شناسی فلسفی	
موضوع	بررسی مسائل بنیادین و مهم درباره انسان مانند چیستی انسان، جایگاه او در جهان، آیندهٔ انسان، ویژگی‌های متمایز (جداکننده) انسان (از سایر موجودات) و هویت انسانی
واژهٔ معادل انسان‌شناسی	خودشناسی (خود در معنای حقیقت انسانی)
معنای دیگر خودشناسی	شناخت هر کس از خود، ویژگی‌ها و خصلت‌های خویش (کاربرد بیشتر در مباحث تربیتی)

دیدگاه فیلسوفان (یونانی و اروپایی) دربارهٔ حقیقت انسان



دیدگاه فیلسوفان (یونانی و اروپایی) دربارهٔ حقیقت انسان

همانند افلاطون و ارسطو معتقد به وجود نفس یا روح / قائل به دو بُعد روحی و مادی / حقیقت انسان = روح و نفس انسان

دکارت: بدن ماشینی پیچیده / فعال به طور خودکار / حقیقت «من» انسان ≠ بدن / «من» = روح یا نفس = مرکز اندیشه‌های انسان / استدلال، پذیرش و رد کردن: کار روح / روح و بدن کاملاً از هم مجزا و دارای خاصیت متفاوت اما همراهی با هم و روح استفاده کننده از بدن / رها بودن و آزادی روح از قوانین فیزیکی / تبعیت بدن (مانند دیگر اجسام) از قوانین فیزیکی = آزاد نبودن بدن

اثبات حقیقت نفسانی انسان و ارادهٔ آزاد و نفس مختار او (با استدلال متفاوت از دکارت)
کانت (قرن ۱۸): انسان؛ موجودی اخلاقی و برخوردار از وجدان اخلاقی
بی‌معنایی وجود وجدان اخلاقی بدون وجود اختیار و ارادهٔ آزاد (وجدان اخلاقی ← اختیار)
اختیار؛ ویژگی نفس و نه بدن مادی

عموم فیلسوفان عقل‌گرای دیگر: انسان علاوه بر بدن، دارای یک حقیقت روحانی برتر دارای اختیار و اراده (پیروی از دکارت و کانت)

معتقدین
به وجود نفس

دورهٔ جدید
اروپا
(دو جریان
انسان‌شناسی)

معتقدین به انسان تک‌ساحتی (تک‌بعدی) = (مادی)
متمایل به انکار کلی وجود نفس (انسان = موجود مادی) یا تلقی آن به عنوان امری فرعی نسبت به بدن و از آثار و لوازم بدن

(۱) همهٔ موجودات و از جمله انسان فقط دارای ساحتِ (بعد) مادی و جسمانی
(۲) ذهن و روان = مغز و سلسلهٔ اعصاب انسان
(۳) انسان = یک ماشین مادی بسیار پیچیده نه چیزی فراتر از آن

توماس هابز (قرن ۱۷ انگلستان): از ماتریالیست‌های اولیه / ذهن بشر = یک ماشین پیچیده مادی شبیه یک دستگاه مکانیکی (مثلاً موتور اتومبیل)

مارکس (قرن ۱۹): فیلسوف ماتریالیست / انسان فقط یک موجود مادی / نیازهای اصلی او نیازهای مادی / نیاز به اجتماع، قانون و اخلاق همه به خاطر نیازهای مادی

(۱) عقایدی نزدیک به ماتریالیست‌ها
(۲) اخذ نتایج فلسفی از نظریهٔ داروین دربارهٔ تحول و پیدایش انسان از حیوان
(۳) انسان = یک حیوان راست قامت
عدم تفاوت حقیقی انسان با سایر حیوانات (فقط پیچیده تر از سایر حیوانات)

ماتریالیست‌ها و داروینیست‌ها
عدم تفاوت واقعی میان انسان و سایر حیوانات ← عدم ارزش ویژهٔ انسان
ورود انسان‌ها به زندگی اجتماعی ← ابداع و رعایت اصول اخلاقی و توجه به فضائل برای امکان زندگی با هم (≠ فضیلت‌گرایی فطری انسان)

انکارکنندگان نفس



درس ۱۰: چیستی انسان (۲)

دیدگاه فیلسوفان مسلمان (بیشتر ایرانی) دربارهٔ حقیقت انسان

استفاده از آثار در دسترس افلاطون، ارسطو و پیروان آن دو + الهام از آموزه‌های دینی خود → برداشتن قدم‌های بلند در توضیح و تبیین حقیقت انسان

زمینه فکری و فرهنگی ایشان → معتقد به عدم امکان فروکاستن انسان به موجودی صرفاً مادی

در جهت شناخت → اعتقاد به انسان به عنوان موجودی صرفاً زمینی و مادی ≠ اعتقاد به برخورداری انسان از ویژگی‌های متعالی و ارزشمند

حقیقت انسان → پذیرش دین اسلام توسط فیلسوفان مسلمان (با تفکر و تعمق فکری)

ویژگی انسان در قرآن: موجودی جاویدان، جانشین خدا در زمین، مسجود فرشتگان، آفرینش آسمان‌ها و زمین برای او

فیلسوفان مسلمان: یا خود عارف یا آشنا با عارفانی شهودگر (با سلوک و پاکی نفس) مراتب برتر و مجرد هستی (بدن مادی انسان، ناتوان از شناخت شهودی)

پذیرش نظر ارسطو دربارهٔ حقیقت انسان و تلاش بر تعمیق آن.

ابن سینا (از جانب بالا) → بدن انسان: دورهٔ جنینی در رحم مادر → رسیدن به مرحلهٔ داشتن همهٔ اندام‌های بدنی → عطای روح انسانی توسط خداوند

روح انسانی: غیرمادی / از جنس موجودات مجرد / دارای استعداد کسب علم از طریق تفکر / دارای توانایی فهم و پدیدآوردن اموری چون اخلاق، عشق، دوستی و ... در خود

در نظر گرفتن جایگاه بسیار رفیع برای روح در نظام خلقت (نظری همچون عارفان) / سرودن شعری به عربی و بیان تمثیل گونهٔ جایگاه روح

فیلسوف بزرگ جهان اسلام + عارف و سالک الهی الله

شخصیت و روش → بهره‌مندی از الهامات و اشراقات معنوی خود → دستیابی به بسیاری از حقایق از طریق شهود درونی → کوشش برای بیان به زبان فلسفه و استدلال

استفاده بیشتر از مفهوم نور به جای مفهوم وجود (هستی = مراتب نور)

سهروردی (حقیقت نورانی نفس) → نورالانوار (خدا): نور محض و بی هیچ ظلمت، مشرق عالم، طلوع انوار بعدی از او

سایر مراتب نور (هستی): دریافت کنندهٔ نور هستی خود از نورالانوار / نور غیرکامل → ترکیب نور و ظلمت

برخی مفاهیم فلسفی از نظر او → جنبه نورانی وجود انسان / حقیقتی مربوط به مشرق عالم / دور

انسان → نفس انسان → افتاده از مشرق / مشتاق بازگشت به آن جا

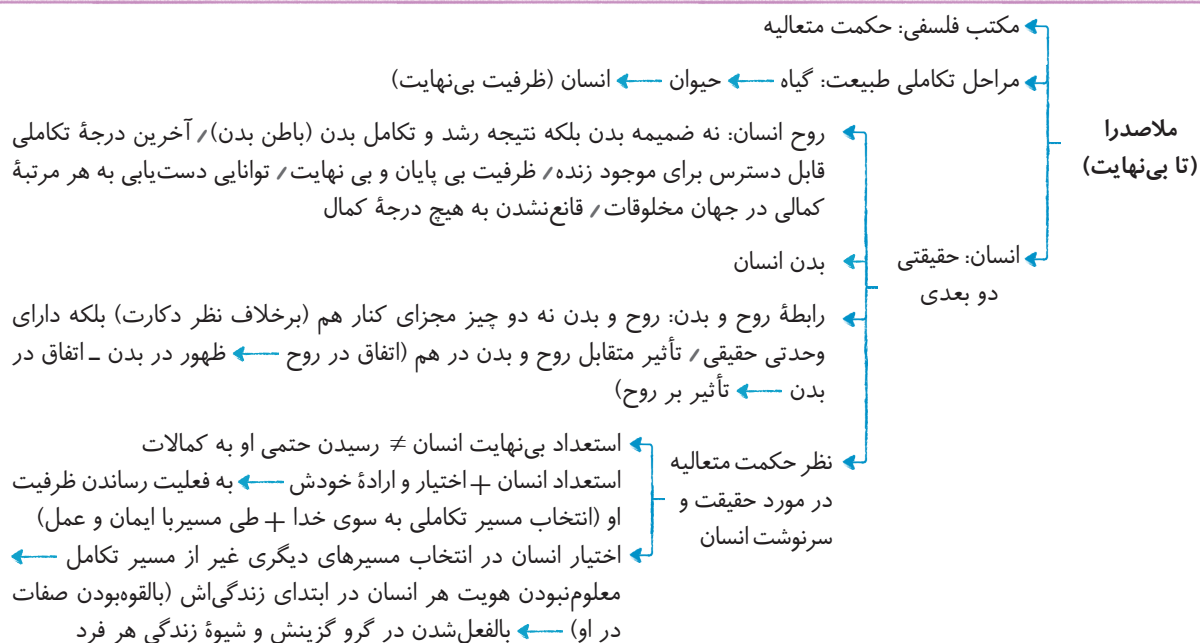
کسب نورانیت بیشتر نفس → رویت بهتر حقایق هستی → طی کردن مسیر کمال (با کسب شایستگی بیشتر)

بدن انسان: جنبهٔ ظلمانی وجود انسان

مغرب عالم: جای به پایین‌ترین حد رسیدن نور وجود



دیدگاه فیلسوفان مسلمان (بیشتر ایرانی) درباره حقیقت انسان

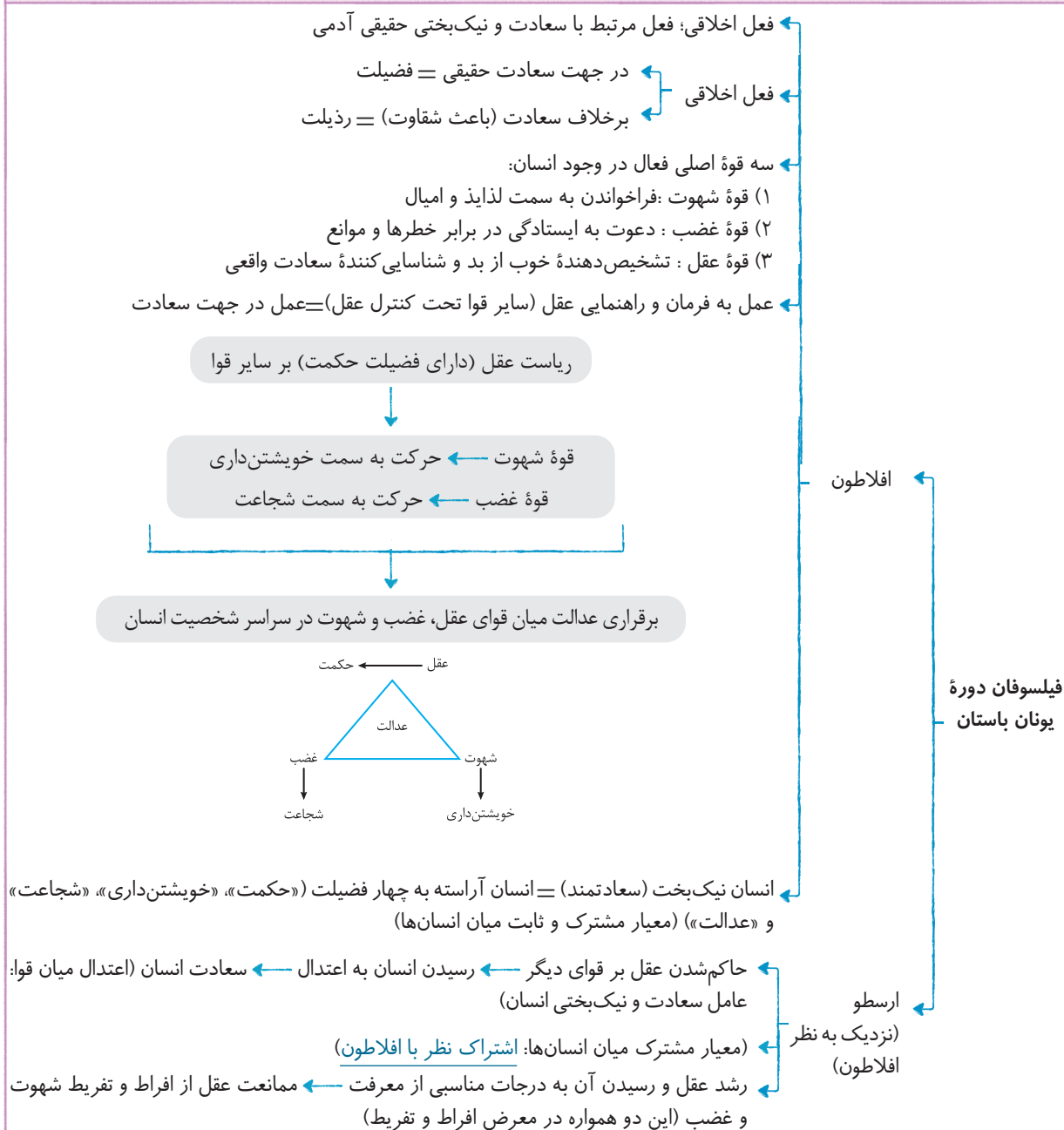




♦♦ درس ۱۱: انسان، موجود اخلاق‌گرا ♦♦

نظر برخی متفکران	اخلاق؛ یکی از وجوه تمایز انسان از سایر موجودات
پیرامون اخلاق و انسان	تعریف انسان از نظر ایشان: موجودی اخلاقی / دارای درک از خوبی و بدی / انجام برخی کارها بر اساس این درک
موضوع فلسفه اخلاق (یکی از بخش‌های فلسفه): بررسی و تحقیق پیرامون ریشه‌های اخلاق (به عنوان یک صفت انسانی)	
کارهای انسان	فعل طبیعی: عمل در جهت رفع نیازهای خود مانند درآمدزایی، آشپزی و ... فعل اخلاقی: کارهای دارای قابلیت مورد ستایش و تحسین یا سرزنش و تقبیح قرار گرفتن مانند احسان، گذشت و ...
برخی مسائل فلسفی مربوط به اخلاق: تفاوت فعل طبیعی و فعل اخلاقی / ویژگی‌های مخصوص هر کدام / معیار و منشأ فعل اخلاقی و ...	

برخی دیدگاه‌ها در معیار فعل اخلاقی



قوا	حالت افراط	حالت تفریط	حد وسط و اعتدال
قوه عقل	جُرْبُزَه	سفاهت	حکمت
قوه غضب	تَهَوُّر	ترس	شجاعت
قوه شهوت	نَّسَرَه	خمودی	خویشتن‌داری



برخی دیدگاه‌ها در معیار فعل اخلاقی

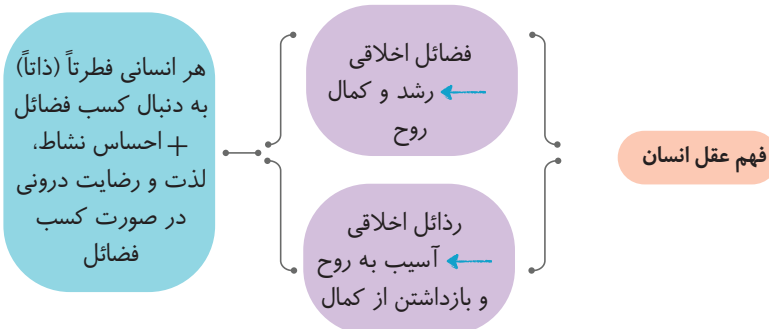
کانت (قرن ۱۸ آلمان): معیار فعل اخلاقی: وجدان اخلاقی
 وجدان اخلاقی: حقیقتی در درون هر انسان و دعوت گر او به سوی عمل خیر اخلاقی
 خیر اخلاقی (= فضیلت): هر کار انجام شده توسط انسان صرفاً برای اطاعت از وجدان خودش بدون هیچ گونه هدف و منفعت شخصی
 کانت: بر طبق قاعده‌ای عمل کنید که بتوانید اراده کنید قاعده مزبور، قانون کلی و عمومی شود. (= انجام همان عمل توسط دیگران در مورد انسان — پسند آن کار از سوی فرد و تحسین عاملان آن)
 جمله مشهور کانت: دو چیز مرا به شگفتی وامی‌دارد: یکی آسمانی که بالای سر ماست، دیگر وجدانی که در درون ما قرار دارد.

فیلسوفان
دوره جدید
اروپا

فیلسوفان طبیعت‌گرا و ماتریالیست (عموم غیرمعتقدان به بعد روحی و معنوی):
 ● ریشه‌های فعل اخلاقی در رفتار طبیعی انسان
 ● کار انسان مانند سایر موجودات (= انجام هر کار برای منافع طبیعی خودش)
 ● توجه به سود یا ضرر هر کار برای انسان — نامیدن آن کار به عنوان «خوب» یا «بد» توسط انسان
 ● [زندگی اجتماعی انسان — اجبار به رعایت منفعت دیگران برای حفظ منفعت خویش (نفع انسان در گرو نفع دیگران) — ابداع قواعد اخلاقی] = امور اخلاقی: فاقد ارزش حقیقی
 ● اولین قانون اخلاقی (از نظر این گروه از فیلسوفان): آنچه برای خود می‌پسندی برای دیگران هم بپسند؛ در این صورت است که می‌توانی با دیگران زیست کنی.
 ● توماس هابز (یکی از این فیلسوفان): هر گاه انسانی بخواهد در برابر دیگران آزادی زیادی داشته باشد، باید به دیگران هم حق بدهد که در برابر او به همان میزان آزاد باشند.

فیلسوفان مسلمان:

ابن سینا و دیگر فلاسفه مسلمان:
 ● دیدگاهی نزدیک به افلاطون و ارسطو
 ● عقل: منبع شناخت فضیلت‌ها و رذیلت‌ها
 ● عقل عملی: عقل از آن جهت که رفتار خوب و بد انسان را تشخیص می‌دهد.



● تمایلات انسان: (۱) مربوط به بعد مادی و حیوانی (۲) مربوط به بعد روحی و معنوی (فضیلت‌ها)
 ● درگیری گاه به گاه تمایلات مادی انسان و فضیلت‌ها — (در صورت) قوت و غلبه تمایلات حیوانی و مادی بر فضیلت‌ها — سوق یافتن انسان به سمت رذیلت‌ها
 ● فقط شناخت و علاقه به فضائل ≠ کسب فضیلت و ترک رذیلت
 ● تمایل ذاتی انسان به فضائل + اعتقاد به خدا + ترغیب خدا به کسب فضائل + تعیین پاداش برای آن‌ها + منع خدا از رذائل + تعیین مجازات برای آن‌ها — بیشتر شدن میل به فضائل (تقویت احتمال ترجیح فضائل اخلاقی هنگام تضاد میان تمایلات حیوانی و فضائل اخلاقی)
 ● اعتقاد به خدا (عامل تقویت‌کننده انجام فضائل) ≠ انجام قطعی و حتمی فضیلت
 ● انسان: موجودی مختار با تمایلات قوی و شدید — امکان سرپیچی از فرمان خدا برای رسیدن به آن تمایلات